نشریه علمی پژوهش‌نامه اخلاق
دوره شانزدهم، بهار ۱۴۰۲، شماره ۵۹
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۳۴ ـ ۱۱۱

Scientific Journal
PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
Vol. 16, Spring 2023, No. 59
Scientific Research Article

بررسی تحلیلی ریشه‌های نگرشی تخریب محیط زیست و راهکارهای اصلاح آن با رویکرد اسلامی

سید احمد هاشمی علی‌آبادی*
محمدجواد حسن‌زاده**

چکیده

پژوهش حاضر با تأکید بر ضرورت توجه به بحران زیست‌محیطی و با رویکردی نقادانه به مهم‌ترین ریشه‌های نگرشی ایجاد این بحران پرداخته است. «شعور اختصاصی انسان»، «آموزه‌های تحریف شده تورات و انجیل و برداشت‌های ناروای از آن»، «اصالت بخشیدن به حقوق انسان» و «دوری از آموزه‌های فطری اسلامی» جزء این ریشه‌ها است. این پژوهش با شیوه داده‌پردازی کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی ـ تحلیلی بهترین راه برون‌رفت از این بحران را براساس معارف دینی، «توجه به مبانی نگرشی صحیح» و «نگرش مسؤلانه اخلاقی» انسان در مواجهه با محیط‌زیست می‌داند. این نگرش بر پایه «باور به وجوب احترام به گیاهان و حیوانات»، «باور به اعتدال در استفاده از محیط‌زیست»، «باور به ارزش ذاتی و حیات عمومی» و «باور به مسئولیت‌پذیری توأم با امانت‌داری»، شکل می‌گیرد. در این نگاه محیط‌زیست علاوه بر قداست ذاتی، دارای قداست ابزاری و جهت نیل به کمال بشری است که نباید با آن به هرگونه برخورد نمود.

واژگان کلیدی

ریشه‌های نگرشی، محیط زیست، تخریب محیط زیست، مسئولیت‌پذیری اخلاقی، مبانی نگرشی.

---

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی(نویسنده مسئول). seyedahmad53@gmail.com
** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام دانشگاه تهران.
hasanzadeh14630@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

طرح مسئله

مسئله محیط زیست یکی از مسائل مهم و حیاتی بشر به حساب می‌آید و آسیب‌های روزافزون آن، یکی از دغدغه‌های جدی فراروی انسان است؛ چراکه زندگی بشر در کره زمین در سالیان آینده بستگی به فائق آمدن بر مشکلاتی دارد که خود، در طی چندین سال گذشته و پس از صنعتی شدن برای محیط زیست ایجاد کرده است. آنچه نگرانی انسان را در مورد محیط زیست تشدید می‌کند آن است که از سال ۱۹۰۵ تا ۲۰۰۵ بیش از ۱۴ درصد از جنگل‌های سطح زمین، خشک شده‌اند. محیط زیست با رشد جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش بی‌ضابطه شهرنشینی، تسریع در نابودی مراتع و جنگل‌ها و بیابانی شدن اراضی، افزایش سیل‌ها و خشک‌سالی‌ها و به‌دنبال آن کاهش تنوع زیستی و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، مصرف بی‌رویه آلاینده‌های صنعتی و شیمیایی، افت شدید آب‌های سطحی و استخراج بی‌رویه آب و تخریب لایه ازن درگیر نابسامانی‌های تخریب‌کننده و نگران‌کننده است. مواردی چون افزایش دمای هوا، فرسایش خاک، کاهش نزولات جوی، رکود بخش کشاورزی، شیوع بیماری‌های جسمی و روحی، مصرف بی‌رویه چوب‌های درختان و شکار غیرمجاز، ورود بیش‌ازحد مجاز دی اکسید کربن در اثر مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی به محیط زیست، ریزش فضولات کارخانه‌ها به رودخانه‌ها و دریاها، جنگ‌های اتمی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی و ورود اشعه مضر ماورای بنفش خورشید در اثر آسیب لایه ازن، بخشی از پیامدهای ناگوار استفاده نادرست از محیط زیست و ایجاد بحران برای آن است.

تأسف‌بارتر آنکه جامعه امروزه در پناه قانون‌های گوناگون و بهره‌وری از عقل بدون وحی، نتوانسته است راه‌حلی اساسی برای مدیریت و کنترل تخریب محیط زیست ارائه کند؛ چراکه در نگاه این پژوهش عامل اصلی این نابسامانی‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری اخلاقی انسان است که محصول دورافتادن بشر از معارف نورانی وحی و اخلاق دینی است و آن ریشه در نگرش‌های امانیستی و منفعت‌طلبانه انسان دارد. به بیان برخی اندیشمندان باید نام این بحران را «بحران معنوی» نهاد. (بنسون، ۱۳۸۲: ۳۳۶؛ محقق داماد، ۱۳۹۳: ۵۷)

موریس استرانگ مشاور ارشد کوفی عنان در امور محیط زیست در این زمینه می‌گوید:

> آنچه انسان را از دیگر اجزای طبیعت جدا می‌کند جنبه معنوی و اخلاقی اوست و من اعتقاد دارم تمدن ما تا پایان قرن آینده پایدار نخواهد بود مگر آنکه زندگی

اقتصادی ـ امنیتی و سیاسی ما با هدایت و انگیزه‌دهی متعالی‌ترین ارزش‌های اخلاقی و معنوی صورت بگیرد و در خدمت آن باشد. (اصغری لفمجانی، ۱۳۸۴: ۳)

به سبب چنین بحرانی در عصر حاضر انجمن‌هایی در حمایت از محیط زیست شروع به فعالیت نموده‌اند که برخی از آنها تحت عنوان «صلح سبز» نام دارند. (اسماعیلی ایولی، ۱۳۹۰: ۵)

موضوع حفاظت از محیط زیست به‌عنوان وظیفه‌ای عمومی نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصل پنجاهم تصریح شده است. برخی اندیشمندان، وسعت دایره امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را به عرصه محیط زیست نیز کشانده و جلوگیری از تخریب آن را وظیفه‌ای همگانی می‌دانند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

فهم دقیق ریشه‌های نگرشی این موضوع مستلزم واکاوی دقیق مفاهیم دخیل در بحث است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱. تعریف محیط زیست

محیط زیست به همه محیط‌هایی که در آنها زندگی جریان دارد، گفته می‌شود و مجموعه‌ای از موجودات زنده را شامل می‌شود که در تعامل با یکدیگر بر رشدونمو هم اثر دارند. این واژه، ترکیبی از دو واژه «محیط» و «زیست» است که در فارسی به‌معنای جایگاه و محل زندگی است و در اصطلاح هدیه‌ای الهی است که از مجموعه‌ای از منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است، تشکیل می‌شود. (محمدی و اذانی، ۱۳۹۶: ۴۳)

۲. نگرش و نگرش‌سازی

نگرش، یکی از مباحث مطرح در روان‌شناسی اجتماعی بوده که از مفاهیم کاربردی در علم روان‌شناسی اجتماعی است. ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک‌چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز گویند. (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵) معادل انگلیسی کلمه نگرش، واژه Attitude می‌باشد. (آلپورت و جونز، ۱۳۷۱: ۱۱۶) یکی از اولین کسانی که از واژه «نگرش ذهنی» استفاده کرده است، «هربرت اسپنسر» بوده است. او در تعریف نگرش می‌نویسد:

داوری صحیح درباره پرسش‌های مورد بحث تا اندازه‌ای به نگرش‌ها در هنگام شنیدن یا شرکت در مناقشه بستگی دارد و برای داشتن نگرش صحیح لازم است میانگین درستی یا نادرستی باورهای انسانی را بدانیم. (همان: ۱۱۸)

اما تعریفی که اکثر روان‌شناسان اجتماعی از واژه نگرش دارند عبارت است از:

> نظامی بادوام که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود. (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵)

نگرش‌سازی در این مقاله به‌معنای باورسازی ذهنی انسان در راستای تأثیرپذیری رفتاری می‌باشد. یعنی آنچه درصدد آنیم همان تغییر رفتار اجتماعی در پرتو تغییر و تصحیح باور درونی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تاریخچه تحلیل و ارزیابی نگرش‌محور در حوزه حمایت از اخلاق زیست‌محیطی جهت برون‌رفت از بحران زیست‌محیطی، نخستین‌بار در سال ۱۹۶۲ توسط شخصی به نام «راشل» مطرح شده است. (برادران رحیمی، ۱۳۸۵: ۴۱۷) بعد از آن در سال ۱۹۹۲ بیش از ۱۰۰۰ دانشمند از ۷۲ کشور جهان که در میان آنها ۱۰۵ برنده جایزه نوبل بودند، به بشریت هشدار دادند که برای توجه به زمین، نگرش اخلاقی جدیدی لازم است. (Tucker me, 2001, P. xv - xxxii) ازاین‌رو باید گفت مهم‌ترین راه کنترل انسان، برگرداندن او به دین و وجدان اخلاقی است. (ارنست، ۱۳۹۱: ۱۳۲) زیرا قوانین بشری به‌راحتی دور زده می‌شوند.

برخی اندیشمندان مسلمان تأکید بر این دارند که برای حل مشکلات زیست‌محیطی باید به سنت ادیان بازگشت تا با ایجاد موانع درونی اخلاقی، رفتاری صحیح نسبت با طبیعت به‌دست بیاید. (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷ ـ ۳) عده‌ای از اندیشمندان غربی نیز بر این باورند که صرف بودن در حوزه اخلاق، کافی نبوده و باید در حوزه اخلاق دینی قدم برداریم. (ورنو، وال و دیگران، ۱۳۷۲: ۱۳۵ ـ ۱۳۲) زیرا اعتقاد به معاد و سرای آخرت امری ضروری و تجلی‌گاه کمال نهایی فضائل اخلاقی برای کره خاکی و انسان‌های روی آن می‌باشد. (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۴۶)

در حوزه محیط زیست آثار بسیاری نگارش شده است. برخی اندیشمندان با نگاهی الهیاتی به این موضوع پرداخته‌اند که کتاب ***الهیات محیط زیست***، نوشته سید مصطفی محقق داماد از این دست مطالعات است. برخی نیز با نگاهی اخلاقی و حقوقی آن را مورد مداقّه قرار داده‌اند که کتاب ***اخلاق محیط زیست***، نوشته جان بنسون و نیز ***درآمدی به اخلاق زیست‌محیطی در اسلام***، نوشته علی اسماعیلی ایولی و کتاب

اصول تربیت زیست‌محیطی، نوشته صادق اصغری و کتاب ***حقوق محیط زیست***، نوشته الکساندرکیس و همکاران ایشان از این دست مکتوبات است.

اما بررسی جزیی‌محور مسئله بررسی ابعاد نگرشی محیط زیست، تنها در برخی آثار آمده است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. مقاله «دیدمانی قیاسی بر نگرش‌های کلان غربی و اسلامی در حوزه رابطه انسان و محیط زیست به‌منظور بهره‌گیری در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، اثر محمدعلی فیروزی؛

۲. مقاله «تحلیل نگرش‌های ارزشی محیط زیستی در رفتار محیط زیست‌گرایانه کشاورزان منطقه سیستان در مواجهه با خشک‌سالی»، اثر زینب حلاج؛

۳. مقاله «انسان‌محوری در اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی»، اثر محسن جوادی.

تفاوت مهم این پژوهش با دیگر تحقیقات انجام‌شده، دوری از تنظیم مؤلفه‌های خرد و جزیی و بیان منشور کلی در مورد شناخت متغیرهای نگرشی ایجاد بحران محیط زیست و راه برون‌رفت از آن است که تنها در پرتو مسئولیت‌پذیری اخلاقی، آن‌هم با تأکید بر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. مقصود از بعد نگرشی در این رهیافت نوع نگاه انسان به مقوله محیط زیست است. یقیناً نگاه قدسی و امانت‌دارانه به محیط زیست که مبتنی بر داده‌های دینی است، با نگاه‌های منفعت‌طلبانه و برخواسته از استثمار طبیعت در رویکرد و تعامل با محیط زیست فرقی فاحش خواهد داشت.

ریشه‌های نگرشی بحران‌های محیط زیست

پذیرش تکالیف و مسئولیت‌های اخلاقی در جایگاه یک پیش‌فرض اساسی در التزام و اجرای راه‌حل‌های ارائه‌شده برای برون‌رفت از مشکلات عرصه محیط زیست، اهمیت ویژه‌ای دارد و سبب نهادینه‌سازی آنها می‌شود. مسئولیت اخلاقی در مواجهه با محیط زیست با رویکرد ارائه معیارها و بایدونبایدهای اخلاقی در پرتو تعامل انسان با جهان طبیعت است به‌گونه‌ای‌که رعایت آداب اخلاقی مربوط به محیط زیست منجر به برون‌رفت و نهادینه‌سازی صفت باطنی‌دوستی با طبیعت می‌گردد.

ازآنجاکه در حوزه بینش، علم و ادراک و شناخت دخیل است که مقدمه ایجاد تحقق اراده فعل است و در تحقق اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود، این دو عامل اساسی، یعنی «نگرش» و «گرایش» دو عامل اصلی به‌عنوان مقدمه تحقق «کنش» و «رفتار» می‌شود و از این جهت دارای اهمیتی بیش از بررسی رفتار انسان دارد.

بینش + گرایش = کنش

شناخت + رغبت = رفتار

ضرورت و اهمیت حل بحران‌های زیست‌محیطی منوط به شناخت عواملی است که موجبات این بحران‌ها را فراهم کرده است؛ چراکه شناسایی عواملی که وضعیت خطرناک موجود را سبب‌ساز شده است در فهم بهتر مسئله و ارائه راهکارهای واقع‌بینانه، کمک قابل‌توجهی می‌نماید.

این پژوهش به‌طورکلی چهار عامل اساسی و کلی نگرشی را سبب ایجاد و تقویت بحران‌های زیست‌محیطی می‌داند.

۱. انحصار شعورمندی در انسان

یکی از دلایل نگرشی در ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی، نگرش انسان‌محورانه از حق اختصاصی بشریت در استفاده از محیط زیست است. در این تلقی، ملاک حقِ بهره‌مندی و استفاده کردن از محیط زیست، دارا بودن شعور ذاتی است. از طرفی شعور ذاتی و درک عقلانی تنها به انسان اختصاص داشته و او تنها موجودی است که حق استفاده از محیط زیست را دارد. به بیان دیگر، ملاک ارزش اخلاقی برای حق استفاده کردن از دیگران، ذی‌شعور بودن است که تنها انسان را دربرمی‌گیرد. ازاین‌رو او مالک بلامنازع طبیعت است. در این نگاه نظام‌های طبیعی مانند نظام‌های زیستی فقط ارزش ابزاری دارند. (پویمان، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۴۳) زیرا در باور این گروه، حقوق اخلاقی درجایی معنا پیدا می‌کند که شامل موجوداتی شود که ظرفیت ادراک دارند. به‌این‌ترتیب موجودات مدرک برخلاف کوه‌ها، رودخانه‌ها و گونه‌ها حداقل به‌طور منطقی کاندیداهای مناسبی برای استفاده از حقوق اخلاقی محسوب می‌شوند. (وارن، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۷۸)

این دیدگاه نزد برخی اندیشمندان مغرب‌زمین پذیرفته شده است. برای نمونه «پیتر هریسون» وجود هرگونه ادراکی را در مطلق حیوانات انکار می‌کند. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «دادباوری و رنج حیوانات» به‌نظریه دکارت رجوع کرده و می‌نویسد:

> دکارت نیز در قرن هفده می‌گفت حیوانات همچون دستگاه‌ها هستند که هیچ‌گونه ادراک و هوشیاری ندارند؛ یعنی هیچ درکی از صداها، بوها و خصوصاً رنج‌ها ندارند. البته دکارت منکر حیّ بودن حیوانات نبود، اما می‌گفت آنها هوشیاری ندارند. در دیدگاه دکارت حیوانات در ردیف درختان بودند، با این تفاوت که می‌توانند از مکانی به مکان دیگر تغییر موضع دهند. (Harrison, 1989: 79)

البته در مقابل، برخی از اندیشمندان این نظریه را نقد کرده‌اند؛ مثلاً «پل تیلور» دیدگاه اندیشمندانی چون «پیتر سینگر» و «ریگان» را تنگ‌نظرانه دانسته معتقد است. ملاک ارزش‌گذاری این دو نفر موجودات فاقد درک و احساس را شامل نمی‌شود و حال‌آنکه همه موجودات زنده به‌طور یکسان و بدون رعایت سلسله‌مراتب شایسته احترام و ارزش‌اند. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۲۰۷ ـ ۲۰۶)

۲. آموزه‌های تحریف‌شده تورات و انجیل و برداشت‌های ناروا

یکی از علل مهم در نگرش افراطی بشر به محیط زیست، آموزه‌های تحریف‌شده تورات و انجیل و نیز برداشت‌های ناصحیح از متن مقدس عهدین است. این آموزه‌های تحریف‌شده و برداشت ناصحیح در سطح گسترده‌ای در میان دانشمندان و نویسندگان مطرح است. آنها معتقد هستند باور به اینکه انسان به صورت خدا خلق شده است بهانه‌ای برای استفاده افراطی و تخریب زیست انسان‌ها شده است. (سینگر، ۱۳۸۶: ۱۴۲) یکی از این آموزه‌ها، آیات ابتدایی سفر پیدایش است. در آنجا آمده است که خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا آفریدش، نر و ماده آفریدشان. خدا ایشان را برکت داد و به ایشان گفت:

> بارور باشید، تکثیر شوید، زمین را پرکنید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر روی زمین زندگی می‌کنند سروری کنید. (عهد عتیق، سفر تکوین، باب اول، آیات ۲۹ ـ ۱؛ همان، باب دوم، آیات ۱۹ ـ ۱)

این نگرش و برداشت نادرست نسبت به آموزه‌های کتب مقدس سبب شده تا بحران‌های بوم‌شناختی جهان غرب این‌گونه تحقق‌یافته و در عمل بشرِ خودمحور، رفتار ظالمانه و تصرف بی‌حدوحساب خویش را به‌پای دین بگذارد. انسان به پشتوانه چنین آموزه‌هایی معتقد است باید بر طبیعت حکومت کند، طبیعت را بیگانه و صرفاً منبعی که باید از آن بهره‌کشی کرد، تلقی کند و با این طرز تلقی در زمین ویرانی به‌بار آورد. (وایت، ۱۳۸۴: ۱ / ۶۵) برخی دانشمندان مغرب‌زمین درباره نقش دین مسیح در این رویداد، معتقدند بحران زیست‌محیطی کنونی جامعه بشری، در حقیقت معلول نخوت مسیحیت متعارف نسبت به طبیعت است که این نخوت ریشه در نگرشی انسان‌مدارانه دارد که سابقه‌اش به سفر تکوین بازمی‌گردد. (پویمان، ۱۳۸۴: ۱ / ۴۹ ـ ۵)

بر این اساس مسیحیت تحریف‌شده، انسان‌مدارترین دینی است که دست انسان را برای هرگونه تصرفی در طبیعت باز گذاشته است؛ زیرا بر این مطلب اصرار دارد که خدا اراده کرده مخلوقش یعنی انسان، طبیعت را به مقتضای غایات خاص خود استثمار کند.

۳. اصالت بخشیدن به حقوق انسان

علت سوم که نقش اساسی در تخریب محیط زیست دارد، باور به اصالت حق انسان در استفاده از زیست جهانی و فرع بودن حقوق سایر موجودات می‌باشد. بشر به سبب رشد علمی و کشف ابزارهای اکتشافی به سراغ طبیعتی رفته است که معتقد است در مرتبه دوم از حق حیات زندگی می‌کند. در این باور حق حیات، حق بهداشت، حق مصرف به تمامه اولاً و بالذات برای انسان جعل شده است؛ و اگر چیزی از زمین باقی ماند دیگر موجودات حق استفاده از آن را پیدا خواهند کرد. این علت برخلاف علت اول برای دیگر موجودات حق زیستن می‌دهد اما در مرتبه بعد از انسان؛ اما علت اول هرگونه حق را مختص به صاحبان خرد یعنی بشر می‌دانست.

انسان خودخواه هرچه درگذر تاریخ، قدرت و توان بیشتری یافته است، ضربه‌های جبران‌ناپذیر بیشتری به محیط پیرامون خود وارد آورده است. در آغاز هزاره سوم با توجه به تحولات عمیق و شگفتی که ناشی از هفت مؤلفه «قدرت»،[1] «سرعت»،[2] «ثروت»،[3] «فرصت»،[4] «ارتباطات»،[5] «اطلاعات»[6] و «مجاز»[7] به دست آورده است، تصرف بیشتری در طبیعت کرده است؛ به‌گونه‌ای‌که انگیزه مصرف، نه برای پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی، بلکه با هدف «مصرف برای مصرف» و به‌عنوان نماد هویت، قدرت و شخصیت تلقی می‌شود. (فاستر، ۱۳۸۲: ۱۴۶ ـ ۱۴۵)

این باور درونی با عوامل دیگری چون مردم‌سالاری، فناوری، شهرنشینی، افزایش ثروت فردی و طرز تلقی تجاوزگرانه نسبت به طبیعت در ارتباط بوده که جهان امروزه را به سمت بحران محیط زیست برده است. (دابیلو، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۱۰) درحالی‌که اگر انسان باور خود را اصلاح و تصرف خود را بکاهد و حتی با نبودن او بر روی کره زمین تمام اجزاء طبیعت مانند جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، اقیانوس‌ها دوباره به وضعیت سالم پیشین خود برخواهند گشت. (تیور، ۱۳۸۴: ۳۴۱ ـ ۳۴۰)

۴. دوری از آموزه‌های فطری اسلامی

دوری انسان از باورهای اصیل دینی و فاصله گرفتن از خدا و معنویت نیز یکی از علل بحران‌های

---

1. Power.
2. Speed.
3. Money.
4. Opportunity.
5. Communication.
6. Information.
7. Cyber.

زیست‌محیطی و بلکه مهم‌ترین دلیل آن است که موجب می‌شود، مسئله محیط زیست به مرز بحران نزدیک‌تر شود. چنین انسانی که از کشتی امن فطرت به امواج طبیعت‌سوز استثمار پناه برده است، به سبب دوری از رنگ درونی ـ الهی خویش، نفسش را موجودی زمینی دیده که هیچ مسئولیتی در قبال خدا و مخلوقاتش ندارد. (نصر، ۱۳۸۷: ۱۰ ـ ۸) او با بی‌توجهی به هدف از خلقت خود، حق حیات دنیوی خود را اولویت بخشیده تا هر نوع بی‌حرمتی به موجودات کند.

محقق داماد از زبان «لوک» بنیانگذار ماتریالیسم مدرن نقل می‌کند که طبیعت فاقد ارزش است مگر اینکه توسط انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. وی از نگاه مارکس نیز چنین نقل می‌کند که هستی چیزی جز ماده بی‌شعور نیست! (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۳۲) مقایسه این نگاه با جمله‌ای نورانی از رسول خدا ﷺ که از داغ‌نهادن به صورت حیوانات و یا زدن به صورت آنها نهی فرمود و دلیل سخن خود را تسبیح‌گو بودن حیوانات می‌دانند. (بحرانی، ۱۳۷۴: ۳ / ۵۳۷) کاملاً تفاوت دو نگرش را روشن می‌سازد. به گفته جوادی آملی:

> بهره‌وری وی از طبیعت به تسخیر الهی وابسته است؛ یعنی خداوند است که نظام آفرینش را تسخیر کرده و آن را مسخّر بشر قرار داده است (نه دیگری) و انسان محصول تسخیر الهی را دریافت می‌کند؛ نه آنکه خود تسخیرکننده باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶ / ۴۵۷)[۱]

در نگاه قرآن و در یک نگاه کلی، عالم و مخلوقات الهی دارای درک و شعور و تسبیح‌گوی خداست. (اسراء / ۴۴) قرآن کریم طبیعت را آیت الهی و مظهر خداوند می‌داند. (فصلت / ۵۳؛ انعام / ۱؛ سجده / ۷) و در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی سخن گفته است و انسان را به مطالعه و دقت در هستی فرامی‌خواند. (ر. ک: یونس / ۱۰۱؛ عنکبوت: / ۲۰؛ فصلت / ۵۳؛ بقره / ۱۶۴؛ انعام / ۹۷ ـ ۹۹؛ نحل / ۳۲ ـ ۳۴؛ لقمان / ۳۱؛ شوری / ۳۲ ـ ۳۵ و ...) خداوند حتی به عناصری در طبیعت قسم می‌خورد که به بیان برخی مفسران به‌دلیل منافع و مصالح عجیبی است که در این عناصر وجود دارد. (رازی، ۱۴۲۰: ۳۲ / ۲۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۱: ۲۰ / ۳۱۹؛ زمخشری، ۱۴۱۹: ۴ / ۷۷۳)

راه برون‌رفت از بحران محیط زیست

به‌یقین در ایجاد و خروج از بحران محیط زیست باید به سه بعد «نگرشی، انگیزشی و کنشی» انسان

---

۱. علت‌های دیگری چون نگاه سلطه‌گرانه مردانه به طبیعت (اکو فمینیسم) نیز به‌عنوان علل تخریب محیط زیست معرفی شده است که از ارزش علمی برخوردار نیست. (ر.ک: هام و گمیل، ۱۳۸۲: ۱۳۳)

در مواجهه با محیط زیست توجه نمود. به جدّ می‌توان گفت «نگاه مالکانه» بدون محبت و «رفتار استثمارگرانه» بدون تعهد انسان، نتیجه‌ای جز به هم‌ریختن تعادل محیط زیست و ایجاد بحران در پی نخواهد داشت و در مقابل «نگرش وظیفه‌گرایانه» همراه با «گرایش مادرانه» و «رفتاری امانت‌دارانه» حافظ آن خواهد بود. بنابراین باید براساس اخلاق وظیفه‌گرا مسئولیت‌پذیری اخلاقی را پذیرفت و با قبول تعهد اخلاقی در سه بعد فوق به انجام وظیفه پرداخت؛ اما ازآنجاکه این پژوهش فقط به مقوله نگرشی این موضوع می‌پردازد در ادامه به وظیفه اخلاقی انسان در بعد نگرش خواهد پرداخت.

۱. مسئولیت‌پذیری اخلاقی انسان در برابر محیط زیست

پذیرش مسئولیت اخلاقی انسان در حفظ و بازسازی محیط زیست تنها راه رهایی آن از خطر تخریب است. حضرت امیر مؤمنان‌علیه‌السلام این مسئولیت سنگین را در عهدنامه مالک اشتر به مراتب از جمع‌آوری درآمدهای عمومی مهم‌تر دانسته و می‌فرماید:

> وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَاد. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۳۷)
>
> باید اهتمام تو به آبادنمودن زمین بیش از همت‌گماردن تو به جمع درآمد باشد و هر حاکمی خراج را بدون آبادانی زمین طلب کند، سرزمین‌ها را خراب و بندگان خداوند را هلاک نموده است.

مسئولیت در لغت به‌معنای پاسخ‌گو در برابر تکالیف، اعمال و افعال خویش آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۳ / ۲۵۷) مسئولیت در اصطلاح عبارت از تعهدی است که به موجب ضرر وارده بر شخص، به نفع فرد متضرّر به وجود می‌آید و پیامد آن برای او نتایج مدنی، کیفری و یا تأدیبی به‌بار می‌آورد. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۳ / ۱۸۳۹) در نگاه ملاصدرا مسئولیت، نوعی مشارکت ناشی از مصلحت مقتضی آن است تا از برخی افعال ممانعت به‌عمل‌آمده و بر انجام برخی دیگر اصرار شود. این حقیقت را انسان از آغاز نوجوانی می‌داند و با آن زندگی و رشد می‌کند و رفته‌رفته در طول حیات خود اعتقاد به ضرورت امتناع در مواردی و لزوم اقدام بر بعضی افعال را مورد تأکید قرار می‌دهد. اثر این کشف درونی محافظت از نظام زندگی و امتناع از ناشایست‌ها است.[۱] (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۹ / ۸۰)

---

۱. مسئولیت اخلاقی ریشه‌ای تاریخی از یونان باستان تا به امروز دارد. در آثار افلاطون در ابتدای رساله کرایتون، مسئولیت انسان در برابر قانون مطرح می‌شود. (افلاطون، ۱۳۸۰: ۶۱) همچنین در قرون‌وسطا این اصطلاح در آثار آگوستین و آکویناس در قالب وظیفه مطرح شده است. امروزه کانت نقطه عطف توجه به مسئولیت اخلاقی انسان در مقابل الزامات عقل عملی معرفی می‌شود.

مسئولیت‌پذیری خود مسئله‌ای است ناظر به حیطه‌های سه‌گانه نگرشی، گرایشی و کنشی. آنچه از مسئولیت در اینجا مراد است جنبه‌های نگرشی آن می‌باشد.

یک. تبیین ترابط مسئولیت و راهکار برون‌رفت

بعد از تبیین مسئولیت، باید ترابط بین مسئولیت اخلاقی در بعد نگرشی و برون‌رفت زیست‌محیطی تبیین شود. زمانی می‌توان تأثیر مسئولیت در برون‌رفت بحران‌های زیست‌محیطی را بیان کرد که نوعی رابطه بین انسان و طبیعت باشد؛ زیرا مسئولیت، فرع رابطه داشتن است؛ و میان آنها نوعی تلازم برقرار است. ازاین‌رو در حوزه امور اختیاری انسان، اگر اصلِ ارتباط ثابت شود به‌طور طبیعی مسئولیت‌هایی را برای افراد به‌دنبال می‌آورد. نتیجه آنکه مسئولیت زیست‌محیطی بشر، متأخر و تا حدی مترتب بر ارتباط او با محیط زیست است. (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

همچنین تا شرایط مسئولیت محقق نشود بشر در برابر هیچ موجودی ازجمله محیط زیست مسئولیت ندارد. ازاین‌رو ابتدا شرایط چهارگانه تحقق مسئولیت، سپس اقسام آن بیان می‌گردد. شرایط چهارگانه مسئولیت‌های اخلاقی عبارت‌اند از: «علم»، «قدرت»، «اختیار» و «نیت». علم و آگاهی تا محقق نشود، انسان در قبال رفتارها و پیامدهای آن مسئول نیست.[۱] قدرت و توان انجام کار اخلاقی نیز یکی از شرایط بدیهی التزام به یک مسئولیت به حساب می‌آید. اختیار و اراده نیز در حقیقت توان ترجیح دادن و انتخاب یکی از گزینه‌های خوب و بد است. یکی از تفاوت‌های علم اخلاق و مفاد حقوقی در شرط چهارم یعنی نیت است. قصد درونی قبل از عمل در فضایل و رذایل اخلاقی اهمیت فراوانی دارد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۱۲۱ ـ ۱۱۹)

دو. تبیین انواع مسئولیت

موضوع گزاره‌های اخلاقی در حوزه ارتباطات انسانی معنا می‌یابد؛ ازاین‌رو مسئولیت‌های بشر به چهار مدل یعنی در مقابل خدا، «خود»، «جامعه» و «محیط زیست» قابل‌تقسیم است؛ زیرا برای مسئولیت‌های انسان نسبت به طرف مقابل به گفته شهید صدر چهار حالت متصور است: رابطه یا با خالق (فراشخصی) است، یا با مخلوق، با مخلوق نیز یا با خود (درون‌شخصی) است یا با دیگری،

---

۱. برخی نویسندگان، اخلاق اجتماعی را به سه بخش خانوادگی، عمومی و تخصصی تقسیم کرده‌اند. برای اخلاق اجتماعی خانواده زیرشاخه‌هایی چون ازدواج، همسرداری، فرزندان، والدین، خویشاوندان و همسایه‌داری را اضافه کرده‌اند. همچنین برای اخلاق اجتماعی عمومی زیرشاخه‌های شهروندی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، ورزشی و فرهنگی را معرفی کرده‌اند. همچنین برای اخلاق اجتماعی تخصصی اموری چون سازمانی اداری، مدیریتی، آموزش و پژوهش، پزشکی، رسانه و بین‌الملل را به‌عنوان زیرشاخه آورده‌اند. (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۹)

دیگری یا انسان (بین‌شخصی) است یا غیر انسان (برون‌شخصی) که می‌توان آنها را در حوزه‌های اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و اخلاق زیست‌محیطی محدود نمود. اولین نوع، مسئولیت بندگی، دومی فردی، سومی اجتماعی و آخرین قسم آن زیستی نام دارد.[۱]

در آیه ۱۷۷ سوره بقره[۲] به اقسام چهارگانه مسئولیت انسان اشاره شده است. خداوند در این آیه شش صفت را به‌عنوان علامت نیکوکاران معرفی می‌کند: ۱. ایمان به خدا، معاد، ملائکه، کتب و انبیاء، ۲. انفاق به خویشان، یتیم‌ها، نیازمندان و درراه ماندگان، سائلان و بردگان برای آزادی آنها، ۳. اقامه نماز، ۴. پرداخت زکات، ۵. وفای به عهد، ۶. صبر بر مصائب و سختی‌ها و زمان جنگ.

در این آیه، مورد اول اشاره به مسئولیت در برابر خدا دارد. اقامه نماز و صبر بر مصائب و سختی‌ها از سنخ اخلاق فردی به‌حساب می‌آید و انفاق به خویشان و یتیم‌ها و نیازمندان، پرداخت زکات و وفای به عهد از فضائل اخلاق اجتماعی است. در انتهای آیه مؤمنان را به صداقت و تقوا توصیف می‌کند. صداقت به‌منزله پیروی از حق و رعایت عدالت یکی از مصادیق مهم پرهیزکاری است. ازاین‌رو می‌توان مفاد انتهای آیه را به‌منزله بیان مسئولیت انسان‌ها در برابر محیط زیست نیز تلقی کرد.[۳]

همچنین یکی از اقسام مهم مسئولیت‌پذیری بشر عصر حاضر، مسئولیت و تکالیف اخلاقی در

---

۱. از مرحوم شهید صدر، تقسیم موجود در مقاله با اندکی تفاوت نقل شده است. ایشان معتقد است، انواع ارتباط انسان یا با خداست یا با خود. با خود هم یا شناختی است یا ارادی و یا گرایشی که گرایشی نیز خود یا مادی است یا معنوی. با دیگران یا اقتصادی است یا سیاسی یا اجتماعی و یا فرهنگی و یا با طبیعت است. (اعرافی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱ برگرفته از کتاب ***الفتاوی الواضحة*** شهید صدر)

۲. لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

۳. اگرچه مدل چهارضلعی مذکور در متن دارای شهرت است اما تمام اقسام مسئولیت را شامل نمی‌شود. ازاین‌رو الگوی دیگری از امام صادق‌ﷺ نقل شده است که دربرگیرنده گستره وسیعی از مسئولیت‌های انسانی است. متن روایت بدین‌ذیل است: «قَالَ الصَّادِقُ‌ﷺ: أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَة أَوْجُهٍ؛ مُعَامَلَةُ اللّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا؛ وَ كُلُّ وَجْهٍ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَي سَبْعَةِ أَرْكَانٍ. أَمَّا أُصُولُ مُعَامَلَةِ اللّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاء: أَدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حَدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشَّوْقُ إِلَيْهِ وَ أُصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةٌ: الْخَوْفُ وَ الْجَهْدُ وَ حَمْلُ الأذى و الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصدق و الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَ رَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أُصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةٌ: الْحِلْمُ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَاضُعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّفَقَةُ وَ النُّصحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ. وَ أُصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةٌ: الرِّضَا بِالدُّونِ وَ الْإِيثَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ وَ بُغْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ آفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَةِ اللّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقا». (امام صادق، ۱۴۰۰: ۶)

برابر طبیعت است. آیات و روایات بسیاری در این زمینه به‌دست ما رسیده است.[۱] همچنین سیره و سبک زندگی پیامبر و اهل‌بیت‌علیهم‌السلام نشانه تأکید بر این امر است. احترام به گیاهان و حیوانات نزد اهل‌بیت به‌شدت مورد اهتمام قرار گرفته است. در روایات و سیره عملی ایشان از قطع درختان بدون منفعت خاصی (کلینی، ۱۳۷۹: ۵ / ۳۰)، آلوده ساختن آب‌ها (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲ / ۷۰۴)، بریدن درخت تر و سبز مگر در موارد خاص (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶ / ۳۱۹) نهی شده است. پیامبر خدا‌صلی‌الله‌علیه‌وآله اسلام می‌فرماید: «بر صورت حیوان نزنید که هر ذی‌روحی تسبیح‌گوی خداست». (همان: ۶۱ / ۲۰۴) آن حضرت از خشونت با حیوانات نهی کرده است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۳۶) در روایتی امام صادق‌علیه‌السلام اجازه بار زدن بیش از طاقت حیوان را نداده است. (البرقی، ۱۳۷۱: ۶۲۷) و از داغ کردن و نشانه گذاشتن بر بدن حیوان به‌شدت نهی می‌کند. (حویزی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۸) همچنین پیامبر رحمت می‌فرماید حیوانات را به جنگ یکدیگر نیندازید. (کلینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۵۵۳) اینها تنها گوشه‌ای از روایات اهل‌بیت است که از مسئولیت خطیر انسان در برابر حیوانات و طبیعت سخن می‌گوید.

مسئولیت‌پذیر بودن در مقابل جهان خلقت نزد دانشمندان نیز موردپذیرش واقع شده است. برای نمونه ملاصدرا معتقد است موجودات حتی جمادات، زنده، دانا، گویای تسبیح خدا، ناظر وجود خدا و عارف به خالق و مبدع خویش‌اند. (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱: ۸ / ۱۱۷) علامه طباطبائی نیز نطق را مختص به انسان ندانسته و آن را عمومی می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۳۸۰) امام خمینی نیز ادراک سایر موجودات را همچون انسان، از روی اراده و شعور می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴)

مهم‌ترین دلیل پذیرش مسئولیت در برابر محیط زیست این است که همه موجودات، دارای حیات، شعور و معرفت خاص خود می‌باشند؛ ازاین‌رو انسان اجازه مسئولیت‌گریزی در مقابل حقوق آنها را ندارد. (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۷) همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:

> هیچ موجودی نیست مگر اینکه به تسبیح خدا مشغول است؛ اما شما انسان‌ها آن را درک نمی‌کنید.[۲] (اسراء / ۴۴)

۲. توجه به مبانی نگرشی در جهت برون‌رفت از بحران‌های زیست محیطی

راه‌حل اساسی در برون‌رفت از بحران‌های محیط زیست نیاز به ارائه معیارهایی کلی، سازنده و

---

۱. در بخش چهارم (تقویت نگرش امانت‌انگارانه) این‌دسته از آیات و روایات به‌تفصیل بیان خواهد شد.

۲. مولوی از زبان موجودات و جمادات، آیه ۴۴ سوره اسراء را این‌چنین می‌سراید:

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما خامشیم. (مولوی، ۱۳۷۳، دفتر سوم، بیت ۱۰۱۹)

بایدونبایدهای اخلاقی ثابت و مفید در تعامل انسان با جهان طبیعت دارد. اهم اصولی که با نگاهی تحلیلی به آموزه‌های قرآن و روایات در رابطه نگرشی به‌دست می‌آید در چهار مبانی کلی و فراگیر دسته‌بندی می‌شود.

دو مبنای اول بیان‌کننده حقوق طبیعت بر گردن انسان و تکالیف فردی و اجتماعی انسان در قبال محیط زیست است. یکی قانون احترام به طبیعت و دیگری قانون اعتدال در استفاده از طبیعت است. با این تفاوت که اولی جنبه ایجابی و دومی جنبه سلبی دارد. ازاین‌رو دومی متفرع بر اولی است. بدین‌معنا که احترام به محیط زیست سبب بهره‌مندی درست بشر از این محیط را فراهم می‌کند. مبانی سوم و چهارم تکوینی و الهی هستند. مبنای اول ارزش ذاتی و حیات عمومی غیر انسان است که به جنبه الهی مسئله توجه دارد. مبنای چهارم قانون مسئولیت‌پذیری توأم با امانت‌داری است که علاوه بر جنبه الهی، انسان را موظف به آن می‌کند.

یک. مبنای طبیعت‌دوستی و احترام به گیاهان و حیوانات

موضوع طبیعت‌دوستی و حمایت و احترام به طبیعت در نگاه اسلام و سیره گفتاری معصومین به‌شدت مورد تأکید واقع شده است. در نگاه اسلامی این نگرش حاکم است که جهان به امانت به‌دست انسان داده شده و هرگونه تخریب محیط طبیعت و بازداری موجودات از حق حیات خویش، ظلم به امانت الهی و نافرمانی در مقابل خدای خالق تلقی می‌شود.

در دستورات اخلاقی پیامبر خدا ﷺ بر حمایت از تمام اجزای طبیعت تأکید شده است. از آلوده ساختن آب‌ها (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲ / ۷۰۴)، قطع درختان (کلینی، ۱۳۷۹: ۵ / ۳۰) به‌ویژه از بریدن درخت زنده و سبز مگر در موارد خاص نهی شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶ / ۳۱۹)

آخرین فرستاده خدا برای نهادینه‌کردن و فرهنگ‌سازی چنین نگرشی مسلمانان را تشویق به پیاده‌سازی نگرش در رفتار می‌کرده است. در سیره اخلاقی ایشان بر احترام به حیوانات سفارش و تأکید شده است. پیامبر اسلام از زدن حیوان نهی می‌کرد و در بیان حکمت این حکم می‌فرمود: «هر ذی‌روحی تسبیح‌گوی خداست». (همان: ۶۱ / ۲۰۴) پیامبر اسلام از خشونت و بدرفتاری با حیوانات نیز به‌شدت نهی کرده است. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۳۶) علاوه بر روایات نبوی، سیره گفتاری و عملی اهل‌بیت نیز بر پایه احترام گذاشتن بر طبیعت و حیوانات بوده است. در سیره رفتاری امام صادق ؑ آمده است که اجازه نمی‌داد بیش‌ازحدِ حیوان، بر او بار زده شود. (البرقی، ۱۳۷۱: ۶۲۷) آن حضرت بر اساس اصل محبت به جانوران، از داغ گذاشتن بر پیشانی حیوانات نهی می‌کرد. (حویزی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۸)

نگرش به حمایت و احترام به حیوانات آن‌قدر مهم بود که اهل‌بیت‌علیهم‌السلام برای محافظت از جان آنها هرگونه نقصان و آسیب رساندن به حیوانات را منع و در ازای آن دیه دادن به صاحبان آنها را تشریع کرده‌اند. تشریع دیه برای نقص عضو سگ (صدوق، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۷۰) و اسب (همان: ۱۷۲) نمونه‌ای از آن است. در روایتی نیز پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: کسی که سقط جنین حیوان کند باید یک‌دهم قیمت حیوان را بدهد. (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰ / ۳۱۰) یا اینکه امام علی درباره کسی که چشم حیوانی را درآورده بود حکم کرد که باید یک‌چهارم قیمت آن را بپردازد. (ابن‌ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۳ / ۶۶۲)

باور به احترام به حیوانات در آموزه‌های اسلامی دارای مراتب مختلفی است که بالاترین مرتبه آن دوری از کشتن و مجروح کردن حیوانات است. مراتب پایین‌تر، شامل ناسزا گفتن و خودداری از اهانت غیر جرحی به حیوان است. در سیره گفتاری پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است که به حیوانات ناسزا نگویید (کلینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۵۳۸) تا چه رسد به اینکه کسی بخواهد حیوان را مثله کند: «حیوان را مثله نکنید حتی اگر سگ هار باشد». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۲ / ۳۲۹) و یا اینکه حیوانات را به جنگ هم نیندازند. (کلینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۵۵۳) آب دادن به حیوان و مقدم کردن آنها بر خود در زندگی معصومین به‌وفور دیده می‌شود. امام علی‌علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در حال وضو بود که گربه تشنه‌ای به‌سوی او آمد، پیامبر ابتدا گربه را سیراب کرد، سپس وضو گرفت. (الکوفی، بی‌تا: ۱۳) سید حسین نصر درباره جامعه می‌نویسد:

> آن‌زمان که انسان‌ها زمین را مادر و آسمان را پدر خویش می‌شمردند زمین از عهده تغذیه فرزندانی که به دنیا آورده بود برمی‌آمد و از زمانی که دیگر آن را همانند فاحشه به اسارت گرفته‌اند، دانستند که باید به آن تجاوز کرد، دیگر طبیعت در مقابل انسانیتی که به او با نگاه ارضاکننده شهوانی می‌نگرد، خشکیده است. (نصر، ۱۳۷۹ / ۱۵۴)

تمام دستورات و حساسیت اعمال شده از سوی پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت‌علیهم‌السلام در احترام به حیوانات و گیاهان حاکی از راهبردی کلان در تغییر نگرش منفعت‌طلبانه بشر آن روز به محیط زیست است. فضای نزول آیات و روایات و شرایط حاکم بر زندگی بشر آن روز که گاه حقوق اولیه یک انسان مثل دختران به رسمیت شناخته نمی‌شد نشان از سیاست کلی اسلام در تغییر نگرش انسان‌هاست

نتیجه آنکه براساس مبنای اول در آموزه‌های دینی، راه‌حل جلوگیری از تخریب محیط زیست تنها با تغییر نگرش و باور باطنی همگانی انسان‌ها نسبت به محیط طبیعت اعم از حیوانی و گیاهی است. به‌خصوص آنکه در جامعه اسلامی بررسی و تبیین منطقی رویکردهای حامیانه دین و اخلاق نسبت به طبیعت بسیار مؤثر است.

دو. مبنای اعتدالی در استفاده از محیط زیست

استفاده کردن از محیط زیست امری غیرقابل‌انکار است اما روش صحیح آن در عصر حاضر نیاز به تبیین و الگوسازی نگرشی دارد. دین کامل اسلام به‌عنوان دین خاتم، نگرشی اعتدالی در رابطه با طبیعت پیش رو دارد. اسلام بدون هیچ‌گونه افراط و یا تفریط، انسان‌ها را به عدالت مصرفی و رعایت اعتدال توصیه می‌کند. اهل‌بیت به ما آموخته‌اند که باور افراطی به طبیعت و رویکرد تفریطی و ترک آن، هردو خارج شدن از مسیر عدالت مصرفی است. اسلام باور به استفاده مناسب از محیط زیست در مصارف خوراکی و پوشاکی و دیگر نیازهای روزمره زندگی را مجاز می‌داند، ولی این استفاده نباید موجب تخریب و زندگی استثماری انسان بر طبیعت شود؛ زیرا انسان‌ها باید به این عقیده برسند که مالک زمین نیستند، بلکه زمین امانتی الهی نزد آنان است.

بشر باید از نظر روان‌شناسی و رویکرد جامعه‌شناسی به‌سوی توسعه اخلاق زیست‌محیطی رفته تا بتواند از طریق نزدیک کردن سیاست‌های زیست‌محیطی به تعالیم اسلامی از بحران عصر حاضر خارج شود. ازاین‌رو نظام آموزشی جهان بین‌الملل باید با توجه جدی به آموزه‌های اخلاقی اسلام، با روش علمی، زمینه آگاهی‌های زیست‌محیطی را فراهم کند.

جنبه‌های لذت‌گرایی یکی از اقسام بهره‌وری ناصحیح انسان از طبیعت است. بشریت باید نگرش استیلایی خویش را تغییر داده، در پرتوی آموزه‌های اصیل اسلام به توسعه‌ای پایدار و تضمین مصرف طبیعت با حفظ آن برای آیندگان بپردازد. ازاین‌رو در روایات اسلامی گفته شده است که اگر کسی نعمت خدا را تنها در خوراک و پوشاک بداند او با نادانی خود، کفران نعمت کرده است. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۲)

در آموزه‌های دینی تعابیر متعددی به اصل اعتدال در مصرف اشاره دارد. یکی از این موارد عنوان اسراف کردن است. از نظر آموزه‌های اسلامی اسراف‌مداری امری غیراخلاقی، ناهنجاری اجتماعی و مورد مذمت واقع شده تا جایی که اسراف یکی از علل عدم استجابت دعا شمرده شده است. (کلینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۵۱۱) در روایات، اسراف کردن سبب فقر مادی در دنیا معرفی شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۲۶: ۳۵۹)؛ زیرا با تحلیلی علمی می‌توان اثبات کرد که بر اثر استفاده بی‌رویه و مسرفانه محیط زیست چیزی از آن باقی نخواهد ماند و به‌تبع آن موجودات ازجمله انسان، فقیر و نابود خواهد شد. امام صادق‌علیه‌السلام در حدیثی می‌فرمایند:

> خدا اسراف را دشمن می‌دارد حتی اگر به‌دور انداختن هسته خرمایی باشد که فایده‌ای حتی ناچیز داشته باشد. (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۱)

سه. مبنای ارزش ذاتی محیط زیست

حق حیات از حقوق مشترک انسان و غیر انسان است. ارزش ذاتی این موضوع اشاره به حیات عمومی تمام جانداران دارد. انسان باید بر این باور رشد کند که این حق حیات توسط خالق هستی یعنی خداوند به تمام جانوران و حتی جمادات اعطاء شده است. ازاین‌رو براساس این مبنا، باور به رعایت حق آنها و عدم سلب حیات بدون فایده عقلایی از طبیعت، امری غیرانسانی و غیر الهی است.

چنین نگرشی در بسیاری از آیات قرآن کریم تصریح شده است. به‌طور مثال خداوند در آیه ۳۸ سوره انعام می‌فرماید: «پرندگان و جنبندگان نیز گروه‌هایی مانند شما هستند». ازاین‌رو موجودات طبیعی را هم‌وزن گروه انسانی برمی‌شمارد. در سیره معصومین نیز باور به حق حیات جانوران و هم‌سنگ بودن آنها با انسان دیده می‌شود. در تاریخ آمده وقتی پیامبر خدا ﷺ در مقابل سلام یکی از اصحاب، جواب او را به ضمیر جمع یعنی «علیکم السلام» داد، آن شخص عرض کرد من یک نفرم چرا جواب سلام من را این‌چنین دادی؟ حضرت فرمود چون به تو و اسبت سلام کردم. (حسینی راوندی، بی‌تا: ۴۲ ـ ۴۱)

تقویت نگرش شناخت خداوند از مسیر سیر آفاقی یکی از شواهد ارزشمندی محیط زیست است.[۱] خداوند به‌طور غیرمستقیم غیر انسان را موجودی ذی‌شعور خوانده که می‌تواند معرف خالق یگانه باشد. این واسطه‌گری خود شاهدی بر ارزشمندی آنها است. در طبیعت حساب (الرحمن / ۵) و در آمدورفت شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، برای مردمان پرهیزکار نشانه‌هایی وجود دارد. (یونس / ۶)

یکی از آیاتی که مورد استناد برخی محققین قرار گرفته آیه ۴۴ سوره اسراء است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

> هیچ موجودی نیست مگر اینکه به تسبیح خدا مشغول است؛ اما شما انسان‌ها آن را درک نمی‌کنید.[۲] (اسراء / ۴۴)

همچنین امام علی ؑ می‌فرماید: «بانگ خروس نماز او، و بال زدنش رکوع و سجود اوست». (کلینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۵۵۰) تفسیر این آیه و آیات مشابه به بیان‌های مختلف در نگاه اندیشمندان مسلمان تبلور یافته است. ملاصدرا در تفسیر این آیه می‌نویسد:

---

۱. برای مطالعه استدلال‌های مربوط به سیر آفاقی معرفت الله، به کتاب توحید در قرآن استاد جوادی بخش اول مراجعه شود.

۲. تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا.

> موجودات حتی جمادات، زنده، دانا، گویای تسبیح خدا، ناظر وجود خدا و عارف به خالق و مبدع خویش‌اند. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۸ / ۱۱۷)

علامه طباطبائی ذیل آیه یادشده می‌نویسد:

> نطق، مخصوص انسان نیست بلکه عمومی و شامل همه موجودات است. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۳۸۰)

امام خمینی نیز ادراک آنها را همچون انسان، از روی اراده و شعور می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴)

در باورهای دینی افزون بر موجودات زنده یعنی حیوانات و نباتات، موجودات به‌ظاهر بی‌جان مانند سنگ و خاک نیز دارای شعور و حق حیات و ارزش هستند. در سیره پیامبرﷺ سخن از دوست داشتن متقابل و دوطرفه پیامبر و کوه احد دیده می‌شود. اینکه پیامبر کوهی را دوست دارد عجیب به‌نظر نمی‌رسد اما اینکه کوه احد نیز ایشان را دوست دارد نشان از شعور عمومی موجودات هستی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۱ / ۲۴۸) این سخن به کوه احد اختصاص ندارد، کوه احد از باب مثال است و بدین‌معناست که همه کوه‌ها، دوست ما هستند و ماهم دوست آنها هستیم. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۹۱)

تمام آیات و روایات دال بر شعور عام هستی و تسبیح و ادراک موجودات نشان می‌دهد قرآن در راستای تغییر بنیادین نگرش انسان به تمام مقولات شناختی سعی داشته است تا نگرشی متفاوت از آنچه بشر به محیط زیست داشته را پیش روی او بگذارد. لذا قرآن در کنار نگاه ابزاری و استفاده ابزاری از محیط زیست تلاش می‌کند ارزش ذاتی هستی را پیش روی انسان بگشاید.

چهار. تقویت نگرش امانت‌انگارانه

مسئولیت انسان در برابر طبیعت غیرقابل‌انکار و امری بدیهی است. آنچه نیاز به تبیین دارد دلیل این مسئولیت‌پذیری و قید مکمل آن یعنی امانت‌داری است. در نگاه اول به خلقت انسان این‌گونه به‌نظر می‌رسد که انسان خلیفه خداوند روی زمین و تنها مستحق بهره‌وری از طبیعت خلق شده برای او است؛ اما بعد از بررسی نصوص و روایات، واضح می‌گردد که خلیفه بودن انسان تنها یک بعد از ابعاد هستی‌شناسی اوست.

در گفتمان قرآن، انسان دارای مقام الهی و موجود اشرف و برترین است[1] (اسراء / ۷۰) او مخلوقی

---

۱. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

است که روح الهی در او دمیده است.[۱] (حجر / ۲۹) این نازدانه خداوند، مسجود فرشتگان[۲] (حجر / ۳۰) قرار گرفت و جویبارها، خورشید و ماه و کشتی‌ها مسخَّر او گشت.[۳] (ابراهیم / ۳۳) افزون بر آن تمام مخلوقات زمین برای او آفریده شده[۴] (بقره / ۲۹) اما جنبه دیگر در تبیین هستی‌شناسی انسان نشان از تنگ‌نظری دیدگاه استثماری انسان دارد؛ زیرا براساس حکمت الهی واگذاری اختیار و قدرت به انسان بدون قید نبوده بلکه مبتنی بر قواعد و ضوابطی است که تلاش می‌کند راه را بر خیره‌سری‌ها و سوءاستفاده‌های او ببندد. امانت‌داری همان قید فراموش‌شده انسان است؛ زیرا همان‌گونه که او در کمال، برتر از دیگر مخلوقات به حساب آمده، در امانت‌داری بر زمین و آسمان و کوه‌ها نیز گزینش و برتری یافته است.[۵] (احزاب / ۷۲) ازاین‌رو خدای خالق، طبیعت را به امانت در اختیار انسان قرار داده اما اجازه استفاده بی‌رویه و مسرفانه را از او گرفته است، چه آنکه خدا حکیمی امین است و انسان را نیز بر صورت خویش خلق نموده است. (کلینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۱۳۴)

دلیل عقلی امانت بودن طبیعت در دستان انسان، مخلوق بودن آن است؛ یعنی تک‌تک اجزای تشکیل‌دهندهٔ محیط زیست را توسط خداوند متعال آفریده و همه موجودات زنده با وظایف گوناگونی خلق شده‌اند؛ وظایفی که خداوند آنها را با دقت تمام سنجیده و بین آنها تعادل برقرار کرده است. حفاظت از محیط زیست به معنی حفظ ارزش‌های آن به‌منزله نشانه‌های وجود آفریدگار است.

به بیان دیگر این نگرش که هیچ موجود دیگری قادر نیست وظیفه حفاظت از محیط زیست را انجام بدهد به موجب برداشت از قرآن در آیات ناظر به خلیفه‌الله بودن انسان (بقره / ۳۰) و امانت‌دار بودن او (احزاب / ۷۲) خداوند وظیفه نیابت خود را به انسان‌ها سپرده است و نقش انسان در برابر طبیعت فقط این نیست که از محیط خود لذت ببرد و بهره بردارد. بلکه از انسان‌ها انتظار می‌رود که سایر مخلوقات را حمایت و کمک کند؛ زیرا محیط زیست فقط در خدمت نسل حاضر نیست، بلکه هدیه خداوند به همه نسل‌ها است.

دلیل مسئولیت انسان علم اعطایی اوست؛ زیرا همان‌طور که علوم انسان باعث برتری آدم بر فرشتگان شد (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۲۰) مسئولیت‌آور نیز است. ازاین‌رو انسان در مقابل محیط

---

۱. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.
۲. فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.
۳. وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ.
۴. هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.
۵. إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

زیست مسئولیت دارد. به بیان دیگر، مسئولیت زیست‌محیطی در طول مسئولیت در برابر خدا بوده و همان‌طور که نافرمانی و عصیان در مقابل خدا ظلم بوده و از ناهنجاری‌های اخلاقی و اعتقادی به حساب می‌آید، طبیعت‌ستیزی نیز با همین معیار ظلم و گناه نابخشودنی است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

> انسان نه‌تنها در برابر خود، سایر هم‌نوعان و خداوند مسئولیت دارد، بلکه در قبال طبیعت، زمین و حیوانات هم باید پاسخ‌گو باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲ / ۴۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۱ / ۱۲۲)

برابری انسان و درختان در برخی از روایات آمده است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

> سیراب کردن یک درخت مانند سیراب کردن یک مؤمن است. (عیاشی، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۸۶)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۶۱ سوره هود با فطری دانستن علاقه انسان به طبیعت می‌گوید:

> خداوند از این زمین، انسان را آفرید و سپس به تکمیل آن پرداخت. پس از آن در فطرت انسان انداخت که زمین را به حالتی درآورد که در زنده ماندن خود از آن سود ببرد و احتیاجات خود را از طریق آن برطرف سازد. چون علت وجود و بقای انسان تنها در زمین قرار داده شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۰ / ۳۱۰ ـ ۳۰۹)

باور به مسئولیت توأم با امانت‌داری نسبت به محیط زیست در فقه اسلامی نیز رسوخ کرده و احکام خاص خودش را دارد. برای نمونه در زمانی که انسان در احرام خانه خدا به‌سر می‌برد و اوج احساس مسئولیت و دل‌دادگی خدا را تمرین می‌کند، مطلقاً از هرگونه قطع گیاه یا از بین بردن هر نوع جانداری منع شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۰۹ ـ ۲۰۴)

نتیجه

این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت مسئله بحران زیست‌محیطی به ریشه‌های نگرشی تخریب محیط زیست همچون: انحصار شعورمندی در انسان، آموزه‌های تحریف‌شده تورات و انجیل، اصالت‌بخشیدن به حقوق انسان و دوری از آموزه‌های فطری اسلام پرداخت و در ادامه به راهکارهای اصلاح این نگرش ورود کرد. عمده این راهکارها توجه به دو مسئله مهم است: مسئولیت‌پذیری اخلاقی انسان در مواجهه با محیط زیست و توجه به مبانی نگرشی در جهت برون‌رفت از این بحران.

نتیجه حاصله از محتوای مقاله این است که چون مقوله تخریب محیط زیست یک کنش رفتاری

غلط بر پایه نگرش نادرست به محیط زیست است؛ بنابراین باید با تغییر نگرش انسان‌ها به محیط زیست در جهت جلوگیری از بحران زیست‌محیطی گام برداشت. در این راستا ریشه‌های نگرشی استثمار طبیعت باید خشکانده شود. مادامی که انسان خودخواهانه به حق انحصاری خود در استفاده از محیط زیست توجه می‌کند و خود را تنها موجود ذی‌شعور هستی می‌داند و از آموزه‌های اصیل فطری و اسلامی دور می‌گردد، شاهد تخریب بیش از پیش طبیعت خواهیم بود. بر این اساس باید انسان را در مواجهه با محیط زیست متوجه مسئولیت اخلاقی خویش نمود و نگرش او را بر مبنای احترام و دوستی به محیط زیست و ارزشمندی ذاتی محیط زیست تغییر داد تا مسیر اعتدال در استفاده از نعمات هستی را پیشه خود کند و با نگاهی امانت‌دارانه با آن مواجه شود.

منابع و مآخذ

۱. ***قرآن کریم***، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

۲. ***نهج‌البلاغه***، شریف الرضی، محمد بن حسین، ١٤١٤، قم، هجرت، چ ۱.

۳. آلپورت، گوردن دبلیو و جونز، ادواردای، ۱۳۷۱، ***روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون***، ترجمه محمدنقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، چ ۱.

٤. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ١٤٢٦، ***غررالحکم و درر الکلم***، تهران، دار الکتب الاسلامی.

٥. ابن‌ابی‌جمهور احسائی، محمد بن علی، ١٤٠٥، ***عوالی اللئالی***، تحقیق آقا مجتبی محمدی عراقی، قم، سید الشهداء.

٦. ابن‌الاثیر، علی بن محمد الشیبانی، ١٤٠٩، ***اسد الغابة فی معرفة الصحابة***، بیروت، دار الفکر.

۷. ابن‌منظور، ١٤١٦ ق، ***لسان العرب***، تصحیح امین‌محمد عبدالوهاب و محمدالصادق العبیدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۸. ارنست، کارل، ۱۳۹۱، ***اقتداء به محمد*** ﷺ ***نگرشی نو به اسلام در جهان معاصر***، ترجمه قاسم کاکائی، تهران، هرمس، چ ۳.

۹. اسماعیلی ایولی، علی، ۱۳۹۰، ***درآمدی به اخلاق زیست‌محیطی در اسلام***، سمنان، دانشگاه سمنان.

۱۰. اصغری لفمجانی، صادق، ١٣٨٤، ***اصول تربیت زیست‌محیطی در اسلام***، تهران، سپهر، چ ۱.

۱۱. اعرافی و دیگران، ۱۳۷۷، ***اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام***، تهران، سمت.

۱۲. افلاطون، ۱۳۸۰، ***دوره آثار***، ترجمه محمدحسین لطفی و رضا کاویانی، یک جلدی، تهران، خوارزمی، چ ۲.

۱۳. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، ***تفسیر سوره حمد***، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره، چ ۵.

۱٤. منسوب به امام صادق‌علیه‌السلام، ۱٤۰۰، ***مصباح الشریعة***، بیروت، مؤسسة اعلمی.

۱۵. انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، ۱۳۸٤، ***دانشنامه حقوق خصوصی***، سه جلدی، تهران، محراب فکر.

۱٦. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷٤، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، قم، مؤسسة البعثة، چ ۱.

۱۷. برادران رحیمی، ۱۳۸۵، ***عفت، زنانی که دنیا را تکان دادند***، تهران، سخن.

۱۸. البرقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، ***المحاسن***، قم، دار الکتب الاسلامیة.

۱۹. بنسون، جان، ۱۳۸۲، ***اخلاق محیط زیست؛ مقدمات و مقالات***، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد، جهاد دانشگاهی.

۲۰. پالمر، مایکل، ۱۳۸۵، ***مسائل اخلاقی***، ترجمه آل‌بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۱. ویلیان ریس، ۱۳۸٤، «اخلاق زیست‌محیطی، قانون و جامعه اسلامی»، در لوئی پ پویمان، ***اخلاق زیست‌محیطی***، ترجمه محسن ثلاثی و دیگران، تهران، توسعه.

۲۲. تیور، پل، ۱۳۸٤، «***برابری‌خواهی زیست‌محور***»، در: لوئی پ پویمان، ***اخلاق محیط زیست***، ترجمه عباس زندباف، تهران، توسعه.

۲۳. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۸، ***اسلام و محیط زیست***، قم، اسراء، چ ۵.

۲٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، ***مفاتیح الحیات***، قم، اسراء.

۲۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱٤۰٤، ***تحف العقول***، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲٦. حسینی راوندی، سید فضل‌الله بن علی، بی‌تا، ***النوادر***، قم، مؤسسة دار الکتاب.

۲۷. حویزی، عبدعلی، ۱۳۸۹، ***تفسیر نور الثقلین***، قم، دفتر نشر نوید اسلام.

۲۸. دابیلو، لوئیس، ۱۳۸٤، «بنیان فرهنگی بحران محیط زیست ما»، در: لوئی پ پویمان، ***اخلاق محیط زیست***، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران، توسعه.

۲۹. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱٤۲۰ ق، ***مفاتیح الغیب***، بیروت، دار احیاء التراث، چ ۳.

۳۰. زمخشری، محمود، ۱٤۱۹ ق، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل***، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۳.

۳۱. سینگر، پیتر، «اخلاق محیط زیست»، ***نقد و نظر***، ترجمه علیرضا آل‌بویه، سال ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۱٦۹ ـ ۱٤۱.

۳۲. السیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱٤۰۱، ***الجامع الصغیر***. بیروت، دار الفکر.

۳۳. شهید ثانی، زین‌الدین، ۱٤۱۰، ***الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة***، قم، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ٤.

۳٤. صدرالمتألهین، محمدصدرالدین، ۱۹۸۱ م، ***الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة***، بیروت، دار احیاء التراث.

۳۵. صدوق، محمد، ۱۳۷۷، ***من لا یحضره الفقیه***، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.

۳٦. صدوق، محمد، ۱٤۰۳، ***الخصال***، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۱، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، اسماعیلیان، چ ۵.

۳۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳٦۵، ***تهذیب الاحکام***، تحقیق سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتاب الاسلامیة.

۳۹. ***عهد عتیق***، سفر تکوین، باب اول، آیات ۱ ـ ۲۹، باب دوم، آیات ۱ ـ ۱۹ و باب هشتم مزامیر.

٤۰. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱٤۲۱، ***تفسیر عیاشی***، تهران، مؤسسه بعثت.

٤۱. فاستر، جان بلامی، ۱۳۸۲، ***اکولوژی مارکس، ماتریالیسم و طبیعت***، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران، نشر دیگر.

٤۲. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳٦۸، ***کنز الدقائق و بحر الغرائب***، تصحیح و تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

٤۳. کریمی، یوسف، ۱۳۷۳، ***روان‌شناسی اجتماعی***، تهران، بعثت، چ ۱.

٤٤. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۹، ***الکافی***، تهران، چاپخانه حیدری.

٤۵. الکوفی، محمد بن محمد بن الاشعث، بی‌تا، ***الجعفریات***، تهران، مکتب النینوی الحدیثة.

٤٦. گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ***فلسفه اخلاق***، قم، دفتر نشر معارف.

٤۷. گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ***اخلاق کاربردی***، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

٤۸. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰٤ ق، ***بحارالانوار***، بیروت، مؤسسة الوفاء.

٤۹. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۰، ***الهیات محیط زیست***، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۵۰. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۳، ***الهیات محیط زیست***، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چ ۱.

۵۱. محمدی، مسلم، ۱۳۹۵، ***مقدمه علم اخلاق***، تهران، سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، ***آذرخشی دیگر از آسمان کربلا***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌قدس‌سره، چ ۱۰.

۵۳. مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۳، ***مثنوی معنوی***، تهران، نگاه.

۵٤. نصر، سید حسین، ۱۳۷۹، ***نیاز به علم مقدس***، قم، طه.

۵۵. نصر، سید حسین، ۱۳۸۷، ***انسان سنتی، انسان مدرن و بحران محیط زیست***، در قالب: گفت‌وگو با سید حسین نصر، ترجمه منوچهر دین‌پرست، سال سوم، ش ۳، ص ۱٤۵ ـ ۱۱۹.

۵٦. هام، مگی و سارا گمیل، ۱۳۸۲، ***فرهنگ نظریه‌های فمینیستی***، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، فیروزه مهاجر و فرخ قره‌داغی، تهران، توسعه.

۵۷. وارن، مری آن، ۱۳۸٤، «نقدی بر نظریه حقوق حیوانات ریگان»، در: لوئی پ پویمان، ***اخلاق زیست‌محیطی***، ترجمه فرخ مستوفی، تهران، نشر توسعه.

۵۸. وایت، لین، ۱۳۸٤، «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی»، در: لوئی پ پویمان، ***اخلاق زیست‌محیطی***، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران، توسعه.

۵۹. ورنو، روژه ـ ژان وال و دیگران، ۱۳۷۲، ***نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن***، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی.

٦۰. محمدی، طاهره و مهری اذانی، ۱۳۹٦، «نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست»، ***مطالعات علوم‌زیستی و زیست‌فناوری***، ش ۹، دوره سوم، ص ۵۲ ـ ٤۱.

61. Harrison, Peter, 1989, “Theodicy and animal pain”, ***Philosophy***, Vol. 64, No. 247.
62. Tucker m e, grim j., 2001, ***Series forward***, in: grim j a, editor, Indigenous Traditions and Ecolohy, Harvard Univerdity Press, Massachusetts,.